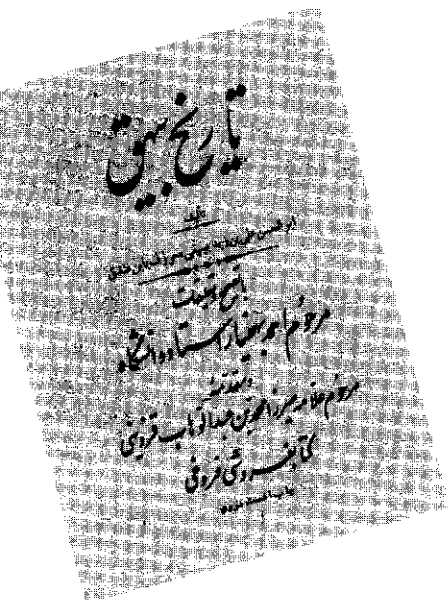


تا سال ۶۹۵ ه. است. نویسنده آن شناخته نیست و چنین می‌نماید که دست‌کم بخشی از این کتاب در روزگار طغرل سلجوقی تألیف شده باشد. چنانکه در وقایع سال ۴۴۵ ه. لقب او ذکر شده است (storey/ ۳۶۴). بخش اول این کتاب «مبتنی بر مأخذ معتبر و مشتمل بر روایات و اخبار جالب در باب حوادث سرزمین سیستان و نواحی مجاور است... و خاصه از جهت اشمال بر اخبار خوارج سیستان و احوال یعقوب لیث و اخلاف و اعقاب او و بسیاری مطالب دیگر فواید زیاد دارد» (زرین کوب / ۵۹). تاریخ سیستان را ملک‌الشعرای بهار به چاپ رساند. کسانی دیگر از جمله محمودبن یوسف اصفهانی ذیلی بر آن نگاشته‌اند و وقایع آنرا تا سال ۷۲۵ ه. رسانده‌اند.

احیاءالملوک، تألیف شاه‌حسین بن ملک غیاث‌الدین محمد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



از بازماندگان صفاریان، تاریخ دیگری است در باب سیستان که وقایع را تا سال ۱۰۲۸ ه. ادامه داده است. این مورخ تذکره‌ای هم به نام خیرالبیان دارد (storey/ ۳۶۴).

ظهیرالدین ابوالحسن علی بن زید بیهقی معروف به ابن فندق یکی از اعضای خاندان‌های کهن بیهقی بود که در سال ۴۹۹ ه. در سبزوار متولد شد و در نزد میدانی تحصیل کرد و در سال ۵۴۹ ه. قاضی بیهقی شد. ولی پس از چندماه این منصب را واگذاشت و چندی را در ری، نیشابور، سرخس و بیهقی گذراند و از سال ۵۳۷ تا ۵۴۹ ه. در نیشابور اقامت گزید و به تدریس پرداخت. ابن فندق در سال ۵۶۵ ه. دارقانی را وداع گفت. تاریخ بیهقی خود را در سال ۵۶۲ ه. به پایان برد که تاریخ منطقه بیهقی با شرح حال ناموران این خطه است (ibid/ ۳۵۳-۴). این کتاب متضمن معلومات مفیدی درباره انساب خانواده‌های آن ولایت است. ابن فندق

در ظهور و رشد این نوع تاریخ‌نگاری بود از این رو در آن، وجود افسانه‌ها و روایت‌های گزافه از برای درشت‌نمایی یک شهر و یا منطقه اندک نیست. تاریخ‌نگاری محلی نوعی شهرشناسی در بطن تاریخ است که اطلاعات جامع و همه‌جانبه‌ای درباره کیفیت و چگونگی پدید آمدن شهرها، اعیان و اصول و نام‌آوران علم و ادب و هنر آنها، مزارات، آرامگاهها و بناها و خصوصیات جغرافیایی و حتی اجتماعی و اقتصادی دارند. در بعضی از تواریخ محلی اطلاعاتی آمده که در تواریخ عمومی و یا سلسله‌ای دیگر نمی‌توان سراغ گرفت.

بحثمان را از شرق ایران شروع می‌کنیم که کهن‌ترین تاریخ‌نگاری محلی در آنجا شکل گرفت و قدیمی‌ترین آثار را در این حیطة پدید آورد. تاریخ سیستان را عموماً به میانه سده پنجم هجری منتسب می‌دارند که خلاصه‌ای از وقایع

از نحل‌های تاریخ‌نگاری در ایران، تاریخ‌نگاری محلی است که بخصوص پیش از دودمان صفویان و نیز در دوره قاجار از اعتنای ویژه مورخان برخوردار بود. این نوع تاریخ‌نگاری از حس شهروطنی و تفاخر بومی مایه می‌گرفت و شیوه زندگانی شهری را در دل تاریخ به تصویر می‌کشید. مشوق اصلی پدیداری تاریخ‌نگاری محلی، سلسله‌های محلی و حکمرانان بومی آنها بود. گردآوری اطلاعات درباره شهرها و ولایات مختلف از برای حکومت مرکزی نیز بخصوص در کیفیت وضع مالیات‌ها و طرز وصول آنها، اهمیتی درخور داشت. در تاریخ‌نگاری محلی، نوعی تداوم نهفته بود و ذیل‌نویسی یکی از ویژگی‌های آن برشمرده می‌شد. نویسندگان و مورخان در ادوار مختلف سوانح احوال حکمرانان و سلسله‌های محلی را به اقتضای زمان بدان می‌افزودند. از آنجا که تفاخر محلی و بومی عامل مهمی

تاریخ‌نگاری محلی از حس شهروطنی و تفاخر بومی مایه می‌گرفت و شیوه زندگانی شهری را درون تاریخ به تصویر می‌کشید. مشوق اصلی پدیداری تاریخ‌نگاری محلی، سلسله‌های محلی و حکمرانان بومی آنها بود

گردآوری اطلاعات در باب شهرها و ولایات مختلف از برای حکومت مرکزی نیز بخصوص در کیفیت وضع مالیاتها و طرز وصول آنها، اهمیتی درخور داشت

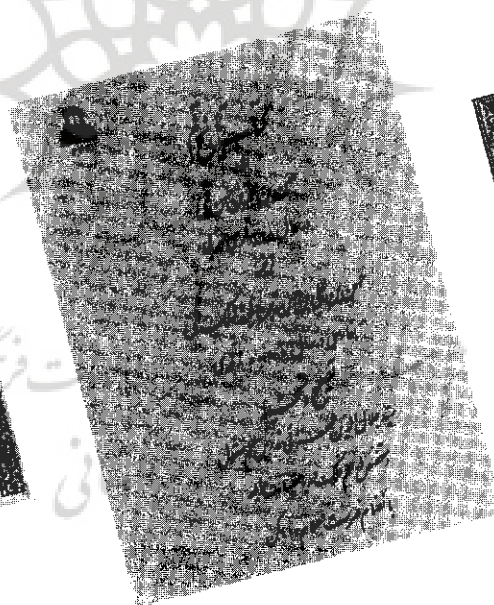
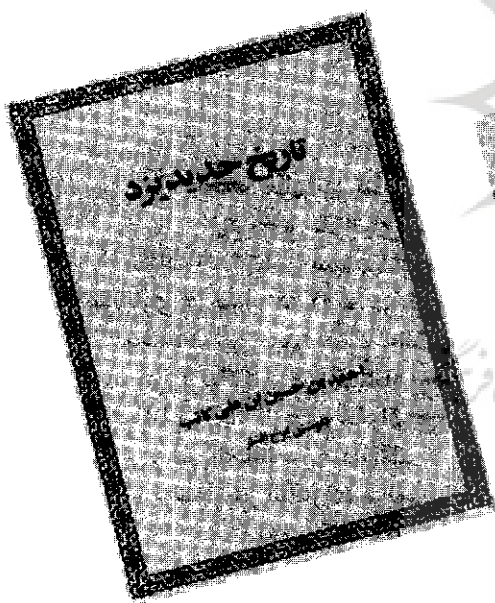
در باب سلجوقیان کرمان بود که محل استفاده محمدبن ابراهیم و ناصرالدین کرمانی قرار گرفته است. عقداعلی للموقف الاعلی تألیف افضل‌الدین ابوحامد احمدبن حامد کرمانی کتاب منشیانه‌ای است در باب آمدن ملک دینار، رئیس غزان به کرمان در سال ۵۸۱ هـ. (ibid, II/ ۳۵۷). سمط‌العلی للحضرة العلیا نوشته ناصرالدین منشی کرمانی در بین سالهای ۷۱۵ و ۷۲۰ هـ. و ذکر قراختائیان کرمان را در شمول خود دارد (ibid) تاریخ سلجوقیان کرمان را محمدبن ابراهیم در حدود سال ۱۰۲۵ هـ. نوشت و در آن با گزارشی مختصر از سلجوقیان عراق، تاریخ کرمان را تا برآمدن قراختائیان به بحث گرفت (ibid/ ۳۵۸). در اینجا باید از تاریخ کرمان احمدعلی خان وزیر هم یادی کنیم که در سال ۱۲۹۱ هـ. تألیف کرد و جمیع جهات تاریخ

در مورد شهرهای ماوراءالنهر باید از بلخ و بخارا نیز سخنی به میان آورد. فضایل بلخ نوشته صفی‌الدین ابوبکر عبدالله بن عمر در حدود سال ۶۱۰ هـ. به عربی است که در سال ۶۷۷ هـ. به فارسی برگردانده شده و تاریخی است در باب بلخ و مساجد و مدارس و سلاطین و سکنه و غیر آن (زرین کوب / ۶۲-۶۳). ابوعبدالله محمدبن احمدبن سلیمان بخاری معروف به غنجان و متوفی به سال ۳۱۲ هـ. تاریخی داشته درباره بخارا که ظاهراً از بین رفته است. ولی ابوبکر محمدبن جعفر نرشخی در سده چهارم از این تاریخ بهره گرفته و تاریخ بخارای خود را به زبان عربی و به نام نوح بن نصر سامانی نوشته و بعدها ابونصر احمدبن محمد قباوی در میانه سده ششم آن را به فارسی برگردانده است. این تاریخ دربردارنده اطلاعات سودمندی درباره

کتاب دیگری به عربی به نام مشارب التجارب داشته و بر دمیة‌القصر باخرزی هم حاشیه‌ای زده بوده است (۳۵۴/ ibid) تتمه صوان‌الحکمه یا تاریخ حکمای اسلام نیز از اوست.

در صحبت از تواریخ محلی شرق ایران نباید تاریخ نیشابور ابن‌البیع ابوعبدالله محمدبن عبدالله نیشابوری را فراموش کرد. این کتاب از تواریخ اواخر سده چهارم هجری و موسوم به تاریخ علما مدینه نیشابور بوده که به زبان عربی نگارش یافته و بعدها به فارسی نیز تلخیصی از آن صورت گرفته است و از مراجع معتبر تاریخ خراسان است (زرین کوب / ۶۲).

سیف‌بن محمدبن یعقوب هروی معروف به سیفی هروی از شاعران و قصیده‌سرایان دربار ملک فخرالدین



کرمان را بیشتر از حیث تاریخ دوره قاجار بررسی کرد. در باب یزد، تواریخ محلی بالنسبه زیاد است. کهن‌ترین اثر در این حیثه تاریخ یزد جعفری است از آثار سده نهم هجری که اطلاعات میسوطی راجع به تاریخ و جغرافیای یزد دارد و مؤلف آن جعفر بن محمد معروف به جعفری طبع شعر نیز داشته و یک تاریخ عمومی به نام تاریخ کبیر نیز نوشته است. احمدبن حسین بن علی کاتب، تاریخ جدید یزد را در سال ۸۶۲ هـ. نوشت. مطالب این کتاب بیشتر مبتنی بر اطلاعات کتاب پیشین است. جامع مفیدی، تألیف اواخر سده یازدهم هجری، از دو اثر یاد شده جامع‌تر است (زرین کوب / ۶۱-۶۲). مؤلف آن محمدمفید مستوفی‌بن نجم‌الدین محمود یاقفی یزدی در سال ۱۰۷۷ هـ. مستوفی اوقاف و دو سال بعد ناظر اوقاف یزد بود. او بعدها به اصفهان و نجف و کربلا و بصره سفر کرد و در سال

سامانیان و قلمرو سلطنت آنهاست و مطالبی درباره تحولات این سامان دارد که در مآخذ دیگر کمتر دیده می‌شود (همو / ۶۳). مطلع‌الشمس از اعتمادالسلطنه گزارشی از خراسان در سه مجلد است یکی وصف جاده مشهد از طریق دامونند؛ دیگری وصف مشهد مقدس و تاریخ آن از سال ۴۲۸ تا ۱۳۰۲ هـ. و فهرستی از کتب موجود آستان قدس رضوی؛ و سه دیگر گزارشی از سفر ناصرالدین‌شاه از طریق نیشابور، سبزوار، شاهرود، دامغان و سمنان و نام‌آوران این شهرها (storey / ۳۵۶).

در قلمرو تاریخ کرمان آثار مفصلی در دست است. ابوحامد حمیدالدین احمدبن حامد ملقب به افضل کرمان در حدود سال ۶۹۲ هـ. تاریخ جامعی به نام بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان تألیف کرد که امروز موجود نیست و ذیل آن به المضاف الی بدایع‌الازمان شهرت دارد. این تاریخ

کرت بود. تاریخنامه هرات او وقایع این سامان را از سال ۶۱۸ تا ۷۲۱ هـ. دربرمی‌گیرد و «حتوا بر اخبار راجع به مغول و ایلخانان و ملوک کرت دارد» (همو / ۵۹). سیفی هروی رساله‌ای به نام مجموعه غیائی یا تاریخ ملوک کرت دارد که به ملک غیاث‌الدین کرت اهدا کرده است (storey / ۳۵۴). شاید بتوان روضات‌الجنت فی اوصاف مدینه هرات نوشته معین‌الدین محمد زمجبی اسفزاری را دنباله تاریخ اخیر دانست. اسفزاری منشی دربار سلطان حسین بایقرا و تحت حمایت وزیر او، قوام‌الدین نظام‌الملک بود و علاوه بر تبحر در ترسل و انشاء، شاعری و خطاطی نیز می‌دانسته است. تاریخ او وقایع هرات را تا سال ۸۷۵ هـ. پیگیری کرده و در سال ۸۹۷ هـ. به پایان برده و به سلطان حسین بایقرا تیموری اهدا کرده است. این کتاب به ۲۶ روضه فصل‌بندی شده است (ibid / ۳۵۵).

در تاریخ نگاری محلی نوعی تداوم نهفته بود و ذیل نویسی یکی از ویژگی های آن برشمرده می شد. نویسندگان و مورخان در ادوار مختلف سوانح احوال حکمرانان و سلسله های محلی را به اقتضای زمان بدان می افزودند

تاریخ نگاری محلی نوعی شهرشناسی در بطن تاریخ است که اطلاعات جامع و همه جانبه ای درباره کیفیت و چگونگی پدید آمدن شهرها، اعیان و اصول و نام آوران علم و ادب و هنر آنها، مزارات، آرامگاهها و بناها و خصوصیات جغرافیایی و حتی اجتماعی و اقتصادی دارند

۱۰۸۲ هـ. از طریق بصره به سورات و سپس به دهلی و حیدرآباد رفت و به خدمت محمداکبر فرزند چهارم اورنگ زیب رسید (۳۵۲ / storey). میرزا حسین طهرانی متخلص به ثریا احوال سیوند را برای احتشام السلطنه فرزند فرهاد میرزا معتمد السلطنه، در زمان حکومت او در فارس، نوشت. این اثر بیشتر گزارش زبانشناختی این منطقه است (۳۵۳ / ibid).

در احوال و آثار شهرهای فارس هم تواریخی تألیف شد که پیش از همه باید به فارسانامه ابن بلخی اشاره کرد. ابن بلخی کتاب خود را به دستور غیاث الدین محمود (۴۹۸-۵۱۱ هـ.)، برادر برکیارق (۴۸۷-۴۹۸ هـ.) سلطان سلجوقی نوشت. وقایع این کتاب از تاریخ اسلام و زمان پیامبر شروع می شود و تا روزگار نگارنده می رسد. حتی به سلسله های پیش از اسلام ایران نیز نظر دارد (۳۵۱ / ibid).

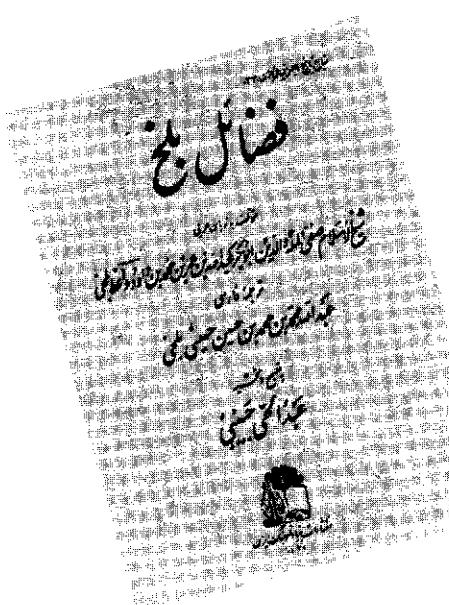
حقیقت تاریخ و جغرافیای فارس است. در این کتاب معلومات مفیدی هم در باب طوایف و بنادر و بلاد فارس آمده است (زرین کوب / ۶۵). آثار عجم نوشته میرزا محمدنصیر حسینی مشهور به میرزا آقا و متخلص به فرصت هم خالی از اطلاعات مفید راجع به فارس نیست (۳۵۲ / storey). اصفهان به موجب موقعیت جغرافیایی خود همواره یکی از کانون های سیاسی - اقتصادی ایران برشمرده می شد. از این رو از سده های نخستین اسلامی توجه مورخان را به خود داشته بود. مفضل بن سعد بن حسین مافروخی در سال ۴۲۱ هـ. در روزگار علاءالدوله ابن جعفر محمد بن دشمنزیار محاسن اصفهان خود را به عربی نوشت و حسین بن محمد بن ابی الرضا حسینی علوی اوی آنرا در سال ۷۲۹ هـ. با عنوان ترجمه محاسن اصفهان به فارسی ترجمه و به غیاث الدین محمد بن رشیدالدین وزیر اهدا کرد.

است از این شهر و به سال ۱۲۸۸ هـ. پایان یافته است (۳۵۰ / ibid).

نخستین تاریخ قم در سال ۳۷۸ هـ. به نام صاحب بن عباد وزیر بویهیان به زبان عربی تألیف یافت و مولف آن حسن بن محمد بن حسن قمی بود. این کتاب از بین رفته ولی ترجمه فارسی آن با نام کتاب قم یا قم نامه و یا تاریخ قم متعلق به اوایل سده نهم هجری است. این اثر مشتمل بر اطلاعات تاریخی و بخصوص اجتماعی - اقتصادی این شهر است و از آن می توان اطلاعاتی درخور راجع به قبایل عربی ساکن در آن پیدا کرد (زرین کوب / ۶۱). محمدعلی بن محمد حسین بن علی بهاء الدین، تاریخ قم دیگری در سال ۱۳۰۲ هـ. نوشت.

در قلمرو ایلات و عشایر فارس و میزان دخالت و تحرک آنها در وقایع سیاسی و اجتماعی زمانه می توان از

تحفة العالم نیز کتابی است در تاریخ و جغرافیای شوشتر. مؤلف این کتاب، سید عبدالحسین شوشتری در سال ۱۲۴۶ هـ. در خدمت محمد حسین میرزا حشمت الدوله از نوادگان فتح علی شاه بود. اثر او گزارشی از تاریخ و جغرافیای شوشتر و علی الخصوص بند خاقانی است که توسط پدر شاهزاده مزبور تعمیر شده بود



تاریخ بختیاری یاد کرد که به دستور حاج قلیخان سردار اسعد بختیاری فراهم آمد (همو / ۶۶). اعلام الناس فی تاریخ بندرعباس هم تاریخی نسبتاً جدید است تألیف سدیدالسلطنه کبابی. در این اثر تحولات اقتصادی و اجتماعی جنوب ایران مضمّن است.

کهن ترین تاریخ درباره ایلات شمالی ایران متعلق به محمد بن اسفندیار است. تاریخ طبرستان ابن اسفندیار در سال ۶۱۳ هـ. تألیف شد و در بردارنده تاریخ این سامان از کهن ترین ایام تا زمان فوت نویسنده است. نویسنده گمنامی ذیلی هم تا سال ۷۵۰ هـ. بر آن افزوده است. (۳۵۹-۶۰ / storey). سیدظهیرالدین مرعشی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران خود را با سرمشق از تاریخ طبرستان ابن اسفندیار نوشت. اطلاعاتی که او درباره مرعشیان

(۳۴۹ / ibid). محمد مهدی بن محمدرضا اصفهانی هم نصف جهان فی تاریخ اصفهان را در سال ۱۳۰۳ هـ. نوشت. مولف آن چندی را در هند در بین پارسیان گذراند و در سال ۱۲۷۵ هـ. در تهران اقامت داشت. کتاب او احتوا بر وقایع تاریخی و مسایل جغرافیایی اصفهان دارد (۳۴۹ / ibid). جغرافیای اصفهان از میرزا حسین خان تحویلدار اصفهانی اطلاعات سودمندی درباره وضع اقتصادی شهر، مشخصات تجار و اصناف و فعالیت مردمان شهر در مراتب اجتماعی دارد. الاصفهان از سیدعلی جناب هم در این زمره از آثار می گنجد.

در باب شهر کاشان هم باید از مرآةالقاسان نوشته میرزا عبدالرحیم ضرابی بن ابراهیم دنبلی کاشانی متخلص به سهیل نام برد که گزارشی تاریخی و جغرافیایی

معین الدین ابوالعباس احمد بن ابی الخیر شیرازی معروف به ابن زرکوب شیرازی در سال ۷۴۴ هـ. شیراز نامه خود را نوشت و در سال ۷۸۹ هـ. دار فانی را وداع گفت. این تاریخ وقایع شیراز را تا سال ۷۴۴ هـ. دنبال کرده و ضمن آن اشاراتی به بویهیان، سلجوقیان، سلغریان، مغولان و آل اینجو دارد و در خاتمه آن نیز به سادات و عرفای شیراز می پردازد (۳۵۱ / ibid). هزار مزار که ترجمه ای است از سدالازار معین الدین ابوالقاسم جنید شیرازی در باب شناخت نام آوران فارس، مأخذ مفیدی است. ریاض الفردوس نوشته محمد میرک بن مسعود الحسنی در سال ۱۰۸۲ هـ. با اینکه یک تاریخ عمومی ایران است ولی درباره فارس، کهگیلویه و خوزستان اطلاعات ویژه ای دارد (۳۵۱-۲ / ibid). فارسنامه ناصری تألیف حاجی میرزا حسن فسایی در

احیاء الملوک، تالیف شاه حسین بن ملک غیاث الدین محمد، از بازماندگان صفاریان، تاریخ دیگری است در باب سیستان که وقایع را تا سال ۱۰۲۸ ه. ق ادامه داده است

سیف بن محمد بن یعقوب هروی معروف به سیفی هروی از شاعران و قصیده سرایان دربار ملک فخرالدین کرت بود. «تاریخنامه هرات» او وقایع این سامان را از سال ۶۱۸ تا ۷۲۱ ه. در برمی گیرد و احتوا بر اخبار راجع به مغول و ایلخانان و ملوک کرت دارد

مازندران آورده منحصر به فرد است و در منابع دیگر یافت نمی شود. سیدظهیرالدین تاریخ دیگری با عنوان تاریخ گیلان و دیلمستان دارد که در باب آل کیا و حکومت آنها در گیلان تألیف کرده است. وقایع این تاریخ تا سال ۸۹۴ ه. ادامه می یابد و به کار کیا مردان میرزاعلی بن سلطان محمد اهدا شده است (ibid / ۳۶۱-۲). علی بن شمس الدین بن حاجی حسین لاهیجی هم تاریخ خانی خود را درباره آل کیا در محرم سال ۹۲۱ ه. شروع کرد و در صفر سال ۹۲۲ ه. به پایان برد. وقایع آن سالهای ۸۸۰ ه. تا ۹۲۰ ه. را زیر پوشش دارد (ibid / ۳۶۳). او این کتاب را به دستور سلطان احمدخان حاکم گیلان نوشت. اولیاءالله املی تاریخ رویان خود را در سال ۷۶۴ ه. به اتمام رساند و آنرا موشح به نام فخرالدوله شاه غازی بن زیار (سلطنت در ۷۶۱-۷۸۰ ه.) کرد (ibid / ۳۶۱). اعتمادالسلطنه هم التدوین فی احوال

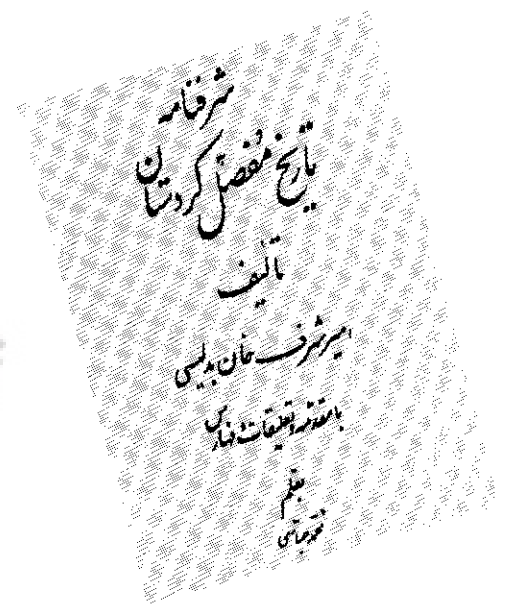
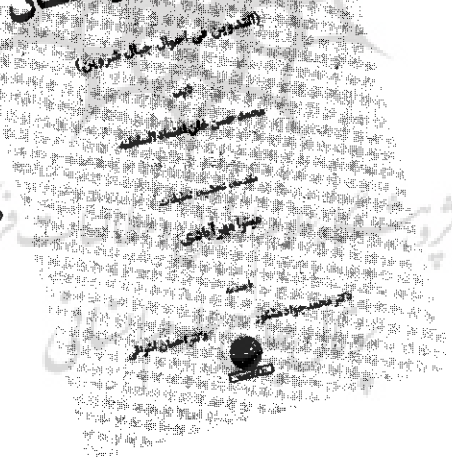
مؤلف این کتاب، سیدعبدالحسین شوشتری در سال ۱۲۴۶ ه. در خدمت محمدحسین میرزا حشمت الدوله از نوادگان فتح علیشاه بود. اثر او گزارشی از تاریخ و جغرافیای شوشتر و علی الخصوص بندخاقانی است که توسط پدر شاهزاده مزبور تعمیر شده بود (ibid / ۳۶۵). عبداللطیف شوشتری هم در تحفة العالم خود که یک حسب حال است گزارشی از شوشتر آورده است (در سال ۱۶-۱۲۱۵ ه.). درباره تاریخ خوزستان نمی توان بدون ذکر تاریخ پانصد ساله خوزستان از سیداحمد کسروی گذشت. این تاریخ وقایع خوزستان را از روزگار آل مشعشع تا زمان حاضر در برمی گیرد. درخصوص کردستان نیز تواریخی موجود است که تحولات سیاسی و اجتماعی این خطه را مطمح نظر قرار داده اند. بیش از همه باید از شرف الدین بدلیسی و شرف نامه او صحبت کرد. شرف الدین در سال ۹۴۹ ه.

تاریخ بنو اردلان را نوشتند. اولی تا وقایع سال ۱۲۲۵ ه. و دومی تا رویدادهای ۱۲۵۰ ه. را شامل است (زرین کوب / ۶۵). در قلمرو تاریخ کردستان زبده التواریخ سنندجی را نیز نباید مغفول گذاشت - فصل یازده آن نسب نامه کردان و امرا و حکام بنی اردلان است و محمد شریف بن ملامصطفی قاضی اردلان، آنرا در سال ۱۲۱۵ ه. تألیف کرده است.

تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز معروف به تاریخ تبریز را نادر میرزا قاجار در عهد مظفرالدین شاه نوشته و لسان الملک سپهر آنرا تهذیب و اصلاح کرد. در این کتاب از بنای تبریز و محل و مکان و تعداد جمعیت و چگونگی آب و هوا و محلات و قنوات و مساجد و مزارات و ابنیه و آثار تاریخی صحبت شده است و وقایع تاریخی آن از صدر اسلام تا روزگار قاجار را در شمول خود دارد (آرین پور، ۱۷۶/۱).

تاریخ طبرستان

«فضایل بلخ» نوشته
صفی الدین ابوبکر عبدالله بن عمر
در حدود سال ۶۱۰ ه. ق
به عربی است که در سال
۶۷۷ ه. ق به فارسی برگردانده شده و
تاریخی است در باب بلخ و مساجد
مدارس و سلاطین و سکنه و غیره



جبال شروین را در باب تاریخ و جغرافیای طبرستان تألیف کرد. عبدالفتاح فومنی تاریخ گیلان خود را از وقایع سال ۹۲۳ ه. شروع و به وقایع سال ۱۰۳۸ ه. ختم کرد. عبدالفتاح فومنی از اجزاء حکومت در قومن و لاهیجان بود (زرین کوب / ۶۲).

تذکره شوشتر، تاریخ شوشتر تا سال ۱۱۶۹ ه. است این کتاب از تراجم احوال بزرگان این منطقه خالی نیست. مؤلف آن سیدباقر بن نورالدین بن نعمت الله حسینی شوشتری متخلص به فقیر است. نیای معروف او سید نعمت الله جزایری است. وی در سال ۱۱۷۳ در شوشتر درگذشت (ibid / ۳۶۳). بضاعة مزجاة هم تاریخی است در باب شوشتر و مبتنی بر اطلاعات تذکره یاد شده. تحفة العالم نیز کتابی است در تاریخ و جغرافیای شوشتر.

متولد شد و با فرزندان شاه طهماسب تعلیم و تعلم دید و بعدها توسط او به مقامات برکشیده شد. در سال ۹۷۵ ه. به گیلان رفت و مدت هفت سال در آنجا ماند و مدت هشت ماه هم حکومت شروان را برعهده داشت. شاه اسماعیل ثانی او را امیرالامرای کردان ایران کرد. او شرف نامه خود را که تاریخ کردان است در سال ۱۰۰۵ ه. تکمیل و به یک مقدمه و چهار صحیفه و یک خاتمه فصل بندی کرد. در این تاریخ اطلاعات ارزشمندی درباره سلاطین کرد در الجزیره و دیار بکر و دینور و شهرزور، لر بزرگ و لر کوچک (آل فضلویه) ایوبیان، اردلان و حکام حصن کیفا و غیره آمده است (ibid / ۳۶۷). محمدابراهیم بن ملامحمدحسین اردلانی هم تاریخ امرای اردلان و خسروین ملامحمدحسین اردلانی نیز

منابع و مأخذ:

- در تحریر این مقاله افزون بر رجوع به آثار و تواریخ یاد شده از برای ارزیابی کم و کیف مطالب و اطلاعات آنها از آثار زیر نیز استفاده شد:
- آرین پور، یحیی: از صبا تا نیما، ج ۱، تهران، کتابهای جیبی، ۱۳۵۷.
- زرین کوب، عبدالحسین: تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷ ش.
- Storey, Persian literature..., II, London - Luzac, ۱۹۳۶.